

وجوب عمل به سنت رسول الله ﷺ
و کفر کسی که آن را انکار کند

تألیف

علامه عبدالعزیز بن عبدالله بن باز

ترجمہ

اسحاق دبیری رحمۃ اللہ علیہ

عنوان کتاب:

وجوب عمل به سنت رسول الله ﷺ و کفر کسی که آن را انکار کند

عنوان اصلی:

وجوب العمل بسنة الرسول صلى الله عليه وسلم وكفر من أنكرها

تأليف:

علامه عبدالعزيز بن عبدالله بن باز

ترجمه:

اسحاق دبیری رحمه الله

موضوع:

حدیث و سنت - تاریخ و اصول علم حدیث و رجال

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

منبع:

کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست

أ	فهرست
١	مقدمه مترجم
٥	مقدمه مؤلف
٨	أصل دوم:

مقدمه مترجم

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ وَأَنْفُسَنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا ضَلَالَ لَهُ وَمَنْ يَضِلْ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ أَمَا بَعْدُ:

علم حدیث و سنت رسول الله ﷺ علمی است که بوسیله آن اقوال و افعال و احوال و کردار پیغمبر ﷺ شناخته می شود. سنت یعنی چه؟

در لغت: روش خوب و بد سنت گفته می شود چنانکه رسول الله ﷺ فرمودند: «من سنَّ سنة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها إلى يوم القيامة، ومن سنَّ سنة سيئة فعليه وزرها ووزر من عمل بها إلى يوم القيامة». [مسلم]. کسی که سنت و روش خوب بنیان نهد اجر و پاداش آن سنت و پاداش کسی که به آن عمل کند، تا روز قیامت به او میرسد، و کسی که سنت و روش بدی بنیان نهد گناه آن کردار و گناه کسی که آن کار بد را انجام می دهد تا روز قیامت به بانی آن می رسد.

در اصطلاح محدثین: مجموعه گفتار و کردار و تأیید و وصف کیفیت خَلْقِي و خُلُقِي ثابت شده از پیغمبر ﷺ چه قبل از بعثت، و چه بعد از آن، سنت گفته می شود.

در اصطلاح اصولیین: قول، فعل، و تقریر یعنی احوال نقل شده از رسول الله ﷺ سنت نام دارد.

مثال قول: گفتار پیامبر ﷺ در هر مناسبتی، و آنچه متعلق است به شرح احکام چنانکه فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ». [متفق علیه].
در حقیقت اعمال و کردار به نیت بستگی دارد.

مثال افعال و کردار: آنچه صحابه از افعال و کردار رسول الله ﷺ در عبادات و غیره مانند ادای نماز و بجای آوردن حج و آداب روزه و حکم و قضاوت کردن در کیفرها و عقوبت‌ها و مجازات الهی نقل کرده‌اند.

مثال تقریر پیغمبر: اگر از صحابه فعلی صادر می‌شد و پیامبر ﷺ در برابر آن سکوت می‌کرد، و یا آن را تأیید می‌نمود، و یا اینکه آن کار را تمجید می‌کرد، این چیز تقریر نام دارد.

بحث در سنت مصطفی ﷺ امری بسیار با اهمیت است، و سنت یکی از مصادر تشریح اسلامی است، خصوصاً وقتی می‌بینیم دشمنان اسلام برای امت اسلامی توطئه می‌کنند و می‌خواهند در مورد سنت مصطفی ﷺ در دل مسلمانان شک و تردید ایجاد نمایند، زیرا ما در عصری هستیم که نظام عالم مضطرب و آشفته است و از ایجاد راه حلی صلح آمیز برای جهانیان عاجز مانده است.

و عقیده ما مسلمانان بر این است که هیچ راهی برای سعادت دنیوی و آخروی وجود ندارد بجز رجوع به تعالیم مبین اسلام پاک از تحریف و تبدیل و تغییر، چنانکه رسالت محمدی آن را برای ما از نزد خداوند آورده است.

مصادر تشریح اسلامی در بین مسلمانان ظاهر و آشکار و محفوظ و معروف است.

و جای هیچ شک و تردیدی نیست که سنت مطهر پیامبر اسلام ﷺ دومین مصدر تشریح بعد از کتاب خدا قرآن می‌باشد، زیرا غالباً قرآن شامل

قواعد عامه و احکام کلی در تشریح اسلامی است، و سنت مطهر شرح دهنده این قواعد و کلیات می باشد.

این برای کسی واضح و روشن می گردد که دسترسی به سنت مطهر رسول اکرم صلی الله علیه و آله را دارد و آن را در معرض عمل قرار داده است.

در قدیم سنت مطهر از طرف فرقه های گمراه و ملحد مورد حمله قرار گرفته، همچنین در عصر حاضر نیز مورد هجوم بعضی از مستشرقین و خاورشناسان متعصب و مبلغین دین یهود و نصاری و استعمار زده قرار گرفته، آنهم برای ایجاد فتنه و هدم این رکن بزرگ و اساس اسلامی است، و متأسفانه بعضی از کسانی که مسلمان غرب زده اند به آنان کمک کرده به سنت مطهر طعنه زده و می زنند، از جمله این مسلمان نمایان نویسنده ای بنام أبو ریه می باشد که در کتاب خود (أضواء علی السنة المحمدية) که مصادر و مراجع او بیشتر از آراء معتزله و آراء مستشرقین و از غلات فرقه های گمراه اسلامی است به تشکیک در سنت مطهر رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبادرت ورزیده است.

و ما به سبب این کتاب را که روشنگر اهمیت سنت مطهر رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد، برای فارسی زبانان جهان ترجمه کرده تا اینکه بتوانند با خواندن و مطالعه آن به اهمیت سنت مطهر پی برند، ناگفته نماند که این کتاب که: (وجوب العمل بسنة الرسول صلی الله علیه و آله و کفر من أنکرها)، (وجوب عمل به سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و کفر کسی که آن را انکار کند) نام دارد از نوشته عالم و دانشمند بزرگ اسلامی علامه الشیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز مفتی عام عربستان سعودی است.

امیدواریم بتوانسته باشیم بوسیله ترجمه این کتاب خدمتی به دین مبین اسلام کرده باشیم. قبلاً از خوانندگان محترم از اشتباهات احتمالی در

ترجمه و چاپ پوزش می‌طلبیم، چون کسی بجز انبیاء و پیامبران علیهم
الصلاه والسلام معصوم نیست. و بشر مایه اشتباه است.
از خداوند مسئلت داریم که آن را خاص برای رضای و خشنودی خود
قرار دهد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

وصلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه.

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على عبده ورسوله نبينا محمد المرسل رحمة للعالمين وحجة على العباد أجمعين وعلى آله وأصحابه الذين حملوا كتاب ربهم سبحانه وسنة نبيهم ﷺ إلى من بعدهم بغاية الأمانة والإتقان والحفظ التام للمعاني والألفاظ وأرضاهم وجعلنا من أتباعهم بإحسان.

أما بعد:

علمای اسلام در قدیم و جدید اتفاق کرده اند که اصول و اساس معتبر در اثبات احکام شرعی و بیان حلال و حرام در درجه اول قرآن کتاب خدا است که: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾ [فصلت: ۴۲].

[باطل از هیچ سمت و سو در آن راه نمی یابد].

سپس سنت رسول الله ﷺ که از هوی و هوس صحبت نمی کند، بلکه وحی است که خداوند بر او نازل فرموده است. سپس إجماع علمای امت اسلامی است. وعلماء در اصول دیگر اختلاف کرده اند که از مهم ترین آن ها قیاس می باشد.

و جمهور أهل علم بر این هستند که قیاس حجت است اگر شروط معتبر آن کامل باشد.

و دلیل بر این اصول بسیار است که شمارش نمی توان کرد و شهرتش بیش از آن است که ما آن را در اینجا ذکر کنیم.

أما أصل أول: قرآن کتاب خدا است که در بعضی از جاها این کتاب به وجوب اتباع و پیروی و تمسک و چنگ زدن به آن، و توقف کردن در حدود قوانین الهی دلالت می کند.

خداوند می فرماید: ﴿اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿۳﴾﴾ [الأعراف: ۳].

[از آنچه از (جانب) پروردگارتان به سوی شما فرورستاده شده است، پیروی کنید به جای او از دوستان (و سرورانِ دیگر) پیروی می کنید. چه اندک پند می پذیرید].

و می فرماید: ﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۱۵۵﴾﴾ [الأنعام: ۱۵۵].

[و این کتابی مبارک است که ما آن را نازل کرده ایم، پس از آن پیروی کنید و پروا دارید تا مورد رحمت قرار گیرید].

و همچنین می فرماید: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿۱۵﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۱۶﴾﴾ [المائدة: ۱۵-۱۶].

[به راستی از طرف خدا برای شما نور و کتابی روشن آمده است. خداوند با آن کسی را که خشنودی او را بجوید به راههای نجات هدایت می کند و آنان را به توفیق خود از تاریکی ها به سوی نور بیرون می برد و آنان را به راه راست هدایت می کند].

و می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿۴۱﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿۴۲﴾﴾ [فصلت: ۴۱-۴۲].

[بی گمان کسانی که قرآن را - چون به آنان رسید - انکار کردند (از ما پنهان نیستند) و به راستی آن کتابی گرانبه است. باطل از هیچ سمت و سودر آن راه نمی یابد از (سوی) فرزانه ستوده فروفرستاده شده است].

و همچنین خداوند می فرماید: ﴿وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنَّكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ﴾ [الأنعام: ۱۹].

[و این قرآن به من وحی شده است تا با آن شما را و کسی را که (پیامش) به او برسد، بیم دهم].

و همچنین می فرماید: ﴿هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ﴾ [ابراهیم: ۵۲].
[این پیام رسانی ای برای مردم است و تا به آن هشدار یابند]. و آیات در این معنا زیاد است.

و احادیث صحیح و ثابت از رسول الله ﷺ وارد شده که به تمسک و چنگ زدن به قرآن و اعتصام و پیروی از آن امر می فرماید، و دلالت می کند که هرکس به آن تمسک و چنگ بزند بر هدایت است، و هرکس آن را ترک کند بر گمراهی است.

و از دلایل آن خطبه حجة الوداع است که رسول الله ﷺ چنین می فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا لَنْ تَضَلُّوا إِنِ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ كِتَابَ اللَّهِ». [مسلم].

من بین شما چیزی گذارده ام که اگر به آن اعتصام کرده و چنگ بزنید و عمل کنید هرگز گمراه نخواهید شد، و آن کتاب خدا (قرآن) است.

و همچنین در صحیح امام مسلم از زید بن أرقم رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَوْلَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَىٰ وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَتَمَسَّكُوا بِهِ».

من بین شما دو چیز سنگین و عظیم به امانت گذارده‌ام یکی کتاب خدا است، هدایت و پیروزی و نور در آن است، آن را محکم بگیرید و به آن چنگ بزنید.

پس مردم را بسوی کتاب خدا تحریک و تشویق نمود سپس فرمود: و اهل بیت را میان شما می‌گذارم، درباره اهل بیتم از خدا بترسید، و آن را دو بار تکرار کرد.

و در لفظ دیگر: قرآن ریسمان خدا است، کسی که به آن تمسک ورزد و چنگ بزند او بر راه راست هدایت خواهد بود، و کسی که آن را ترک کند بر گمراهی است.

إجماع علماء و مؤمنین اعم از صحابه و آنانیکه بعد از آنها آمده‌اند در مورد وجوب تمسک به کتاب خدا و حکم و قضاوت به آن همراه سنت رسول خدا ﷺ کافی است، و نیازی به آوردن دلائل در این مورد و طولانی کردن مطلب نیست.

أصل دوم: از اصول سه گانه که علمای اسلام بر آن اتفاق و إجماع دارند سنت صحیح رسول الله ﷺ است، و کسانی که بعد از رسول الله ﷺ آمده‌اند به آن اصل و اساس ایمان آورده و آن را حجت قرار داده و به اُمت محمدی آموزش داده‌اند، و کتاب‌های بسیاری در این باره تألیف کرده‌اند، و آن را در کتاب‌های اصول فقه، و مصطلح حدیث بیان نموده‌اند.

و دلایل در این مورد بسیار زیاد است بطوریکه نمی‌توان آنها را در حصر و شمار آورد، بعضی از این دلایل در کتاب خداوند، قرآن مجید وارد شده‌اند و دستور به پیروی و اطاعت از رسول خدا ﷺ می‌دهند و مورد خطاب این دستورات اُمت رسول خدا ﷺ در عصر او و کسانی که بعد از او می‌آیند، قرار می‌گیرد.

زیرا او برای تمامی جهانیان فرستاده شده و آن‌ها مأمورند تا روز قیامت تابع و پیرو او باشند، و او ﷺ مفسر و بیان کننده قرآن است، و مبهم آن با اقوال و کردار و تقریرات او بیان شده است.

و اگر سنت پیامبر ﷺ نبود مسلمانان تعداد رکعات نماز، چگونگی آن، و واجبات نماز را نمی دانستند، و تفصیل و شرح احکام روزه، و زکات، و حج، و جهاد در راه خدا، و امر به معروف و نهی از منکر را نمی دانستند، و شرح احکام معاملات از خرید و فروش، و محرمات از حلال و حرام، و واجبات را در مورد کیفرها و مجازات‌های شرعی نمی دانستند.

و از جمله آیاتی که در این باره نازل شده خداوند می فرماید: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۳۲].

[او از خدا و رسول (او) فرمان برید تا مشمول رحمت قرار گیرید].

و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهٗ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹].

[ای مؤمنان، از خداوند اطاعت کنید و از رسول (او) و صاحبان امرتان (هم) اطاعت کنید هرگاه در چیزی اختلاف کردید، اگر به خدا و رسول قیامت ایمان دارید، آن را به خدا و رسول بازگردانید. این بهتر و نیک‌انجام‌تر است].

و می فرماید: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾ [النساء: ۸۰].

[هرکس از رسول (خدا) اطاعت کند، در حقیقت از خداوند فرمان برده است. و کسی که روی گرداند، (بدان که) تو را بر آنان نگهبان نفرستاده ایم].

چگونه ممکن است طاعت او و بازگردانیدن آنچه مردم در آن اختلاف کرده‌اند به کتاب‌خدا و سنت رسول الله ﷺ باشد اگر احتجاج به سنت رسول الله ﷺ نشود؟ یا اینکه تمام سنت محفوظ نباشد؟ و بنابراین قول باری تعالی بندگان خود را بر چیزی ارجاع داده که وجود ندارد! و این از باطل‌ترین و پوچ‌ترین دروغ‌ها است، و از بزرگترین کفرها به خدا و سوء ظن به اوست.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴].

[و به تو قرآن نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی، آنچه را که بر آنان فروفرستاده شده است، و باشد که اندیشه کنند].

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [النحل: ۶۴].

[و کتاب را بر تو فروفرستادیم مگر (از آن روی) تا آنچه را که در اختلاف ورزیدند، برایشان روشن سازی و (نیز برای) راهنمایی و بخشایش برای گروهی که ایمان می‌آورند].

پس چگونه خداوند بیان قرآن نازل شده را به رسول الله ﷺ واگذار می‌کند، اگر سنت وجود نداشته باشد، یا اینکه حجت و ثابت نباشد!

مثال این خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ [النور: ۵۴].

[بگو: از خداوند فرمان برید و از رسول (او نیز) فرمان برید. و اگر روی بگردانند، بر (عهده) او (پیامبر) تنها همان است که به آن مکلف شده است و

بر (عهده) شماست آنچه تکلیف یافته اید. و اگر از او فرمان برید راه خواهید یافت. و بر (عهده) رسول (ما) جز پیام رسانی آشکار نیست.]

و می فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [النور: ۵۶].

[و نماز را بر پا دارید، و زکات را بپردازید، و از رسول (خدا) فرمان برید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید].

و خداوند می فرماید: ﴿قُلْ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي ۖ وَيُمِيتُ ۗ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ ۚ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [الأعراف: ۱۵۸].

[بگو: ای مردم، من فرستاده خداوند به سوی همه شما هستم، کسی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست، معبود (حقی) جز او نیست، زنده می کند و می میراند. پس به خداوند و رسول او، آن پیامبر درس ناخوانده‌ای که به خداوند و سخنان او ایمان دارد، ایمان آورید و از او پیروی کنید، باشد که راه یابید].

و در این آیات دلیل واضحی است که هدایت و رحمت در اتباع و پیروی از رسول الله ﷺ می باشد.

و این چگونه ممکن است با عمل نکردن به سنت او؟ یا اینکه گفته شود سنت او صحیح نیست! و یا گفته شود نمی توان بر آن سنت اعتماد کرد!

و می فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ ۚ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

[پس باید آنان که بر خلاف فرمان او رفتار می کنند از آن بر حذر باشند، که بلایی به آنان برسد، یا عذابی دردناک گریبانگیرشان شود].

و خداوند می فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷].

[در اینجا یک قاعده مهم مقرر داشته و آن تبعیت رهبر مسلمین از نصوص شریعت) و آنچه که رسول (خدا) به شما بدهد، آن را بگیرید. و از آنچه که شما را از آن باز دارد، باز آیید].

و آیات در این موضوع و مطلب بسیار است و همه آن ها بر وجوب اطاعت رسول الله ﷺ و بر پیروی از آنچه او آورده دلالت می کنند، چنانکه قبلاً دلیل بر وجوب اتباع کتاب خدا و تمسک به آن طاعت و اوامر و نواهی ذکر کردیم، و این دو اصل و اساس ملازم و وابسته به هم هستند و از هم جدا شدنی نیستند، هرکس یکی از آن دو را انکار کند مانند اینکه دیگری را انکار و دروغ دانسته، و این به اجماع أهل علم و ایمان کفر و گمراهی و خروج از دایره اسلام می باشد.

و احادیث در وجوب اطاعت رسول خدا ﷺ و اتباع و پیروی از آنچه آورده و تحریم معصیت او بطور متواتر وارد شده است؛ و آنهم در حق کسیکه در زمان او بوده و بعد از او تا روز قیامت خواهد آمد.

و از جمله این احادیث، حدیث ابی هریره رضی الله عنه که رسول الله ﷺ فرمودند: «من أطاعني فقد أطاع الله ومن عصاني فقد عصى الله». [متفق علیه].

کسی که از من اطاعت کند، مانند اینکه از خدا اطاعت کرده، و کسی که از من نافرمانی کند، مانند اینکه خدا را معصیت و نافرمانی کرده است.

و همچنین أبوهریره روایت می کند که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «كل أمتي يدخلون الجنة إلا من أبي قيل يا رسول الله ومن يأبى قال: من أطاعني

دخل الجنة ومن عصاني فقد أبي». [البخاری].

همه امت من داخل بهشت خواهند شد مگر کسیکه خود از دخول آن امتناع ورزد، گفته شدای رسول الله چه کسی است که از دخول آن امتناع می‌ورزد؟ فرمود: کسی که از من اطاعت کند داخل بهشت خواهد شد، و کسی که از من نافرمانی کند، او همان کسی است که خود از دخول آن امتناع ورزیده است.

و أحمد و أبوداود و حاکم با إسناد صحیح از رسول الله ﷺ فرمودند: «ألا إني أوتيت الكتاب ومثله معه، ألا يوشك رجل شعبان على أريكة يقول عليكم بهذا القرآن، فما وجدتم فيه من حلال فأحلوه، وما وجدتم من حرام فحرّموه». [أحمد، أبوداود، حاکم، با سند صحیح].

همانا به من قرآن، و مثل و مانند آن (یعنی: سنت رسول الله ﷺ) داده شده است، همانا بزودی مردی سیر خورده و تکیه زده بر متکا و بالشت خود که بگوید: بر شماست که فقط پیرو قرآن باشید، و هر چه در آن از حلال یافتید، پس آن را حلال بدانید، و آنچه در آن از حرام یافتید، آن را حرام بدانید^۱.

أبو رافع از پدرش روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: «لا ألفين أحدكم متكئاً على أريكة يأتيه الأمر من أمري مما أمرت به أو نهيت عنه فيقول لا ندرى، ما وجدنا في كتاب الله اتبعناه». [أبوداود وابن ماجه با سند صحیح].

۱- یعنی حدیث و سنت پیامبر ﷺ را قبول نکنید.

نبینم که یکی از شما بر بالشت خود تکیه زده و امری از اوامری که من به آن امر کرده ام، و یا از آن نهی کرده ام بر او آید و او گوید: نمی دانم! فقط آنچه در کتاب خدا پیدا کردیم قبول خواهیم کرد.

و حسن بن جابر از مقدم بن معدی کرب ﷺ روایت می کند که می گوید: «حَرَمَ رسول الله ﷺ یوم خیر اشیاء ثم قال یوشک أحدکم أن یکذبنی وهو متکئی یحدّث بحدیثی فیقول بیننا و بینکم کتاب الله فما وجدنا فیہ من حلال استحللناه، وما وجدنا فیہ من حرام حرمناه، ألا إن ما حرّم رسول الله مثل ما حرّم الله». [ترمذی وابن ماجه و حاکم].

رسول الله ﷺ روز غزوه خیبر چیزهایی را حرام کرده، سپس فرمود: پیدا می شود یکی از شما که مرا تکذیب کند در حالیکه بر بالشت خود تکیه زده و از سخنان من صحبت می کند، سپس می گوید: بین ما و شما کتاب خدا است، هر چه در آن حلال یافتیم، آن را حلال می دانیم، و آنچه در آن حرام یافتیم، آن را حرام می دانیم، بدانید که همانا آنچه رسول الله ﷺ حرام کرده مانند آن چیزی است که خداوند آن را حرام فرموده است.

و احادیثی بطور متواتر از رسول الله ﷺ ثابت است که در خطبه خود وصیت می فرمود که: حاضرین به غائبین ابلاغ کنند، و می فرمود: ممکن است ابلاغ شده ای برداشت بیشتر و دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد.

و از آن احادیث متواتر: حدیثی در صحیحین است که رسول الله ﷺ در حجه الوداع در خطبه خود در روز عرفه و روز عید قربان برای مردم چنین فرمودند: افراد حاضر به افراد غائب برسانند زیرا ممکن است کسی که به او ابلاغ شود دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد.

پس اگر سنت او بر شنوندگان و ابلاغ شدگان حجت نبود، و اگر سنت او تا روز قیامت باقی نمی ماند، به آنها دستور تبلیغ داده نمی شد.

پس معلوم می شود که دلیل بودن و حجت بودن سنت او همچنان پا بر جا است، بر شنونده ای که از زبان رسول الله ﷺ شنیده، و بر کسی که برای او با آسانید صحیحه نقل شده است.

و اصحاب و یاران پیامبر ﷺ سنت قولی و فعلی او را حفظ کرده اند و همچنین تابعین، سپس تابعین آن را ابلاغ کرده اند به نسل بعدی خود، و همچنین علماء و دانشمندان ثقه که گفتار آنان مورد اعتماد می باشد نسل بعد از نسل، و قرن بعد از قرن نقل کرده اند.

و آن را در کتاب های خود جمع آوری و بیان کرده اند و صحیح و ضعیف آن را بیان کرده اند.

و برای شناخت احادیث صحیح و ضعیف قوانین و ضوابط معینی بین خود قرار داده اند تا بوسیله این قوانین صحیح و ضعیف احادیث شناخته شوند.

و علماء و دانشمندان، کتاب های سنت اعم از صحیح بخاری و مسلم و کتاب های دیگر را بخوبی و بطور کامل حفظ کرده اند، همچنانکه خداوند کتاب خودش (قرآن) را طبق وعده اش از بازپچه قرار گرفتن، و الحاد، و کفر کافران، و تحریف و تغییر یاوه گویان حفظ نموده است، چنانکه می فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ﴾ [الحجر: ۹].

[بی گمان ما قرآن را فرورستاده ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم].

و جای هیچ شک و تردیدی نیست که سنت رسول الله ﷺ وحی نازل شده است، و خداوند آن را حفظ فرموده، چنانکه کتاب خود قرآن را حفظ فرموده، و باری تعالی برای آن سنت علمائی نقاد و جداکننده خوب از بد

برانگیخته که تحریف و تغییر و تبدیل باطل اندیشان و یاوه گویان، تعبیر و تفسیر جاهلان را از آن دور می‌کنند، و هر آنچه را که دروغگویان نادانان و ملحدان به آن چسبانیده‌اند دور می‌کنند، زیرا باری تعالی آن را تفسیری برای قرآن کتاب خود، و بیان آنچه مبهم و مشکل است از احکام قرار داده، و ضمن آن احکام دیگری است که نص آن در قرآن وارد نشده، مانند تفصیل و شرح احکام دوران شیرخوارگی بچه‌ها، و بعضی از احکام میراث، و تحریم جمع بین زن و عمه او، و بین زن و خاله او، و غیر از این از احکام که در سنت صحیح رسول الله ﷺ وارد شده و در قرآن از آن ذکری نیست.

ذکر بعضی از آنچه از صحابه و تابعین و أهل علم و دانش در تعظیم سنت رسول الله ﷺ و وجوب عمل به آن وارد شده در صحیحین از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت وقتی رسول الله ﷺ دنیا را وداع گفتند بعضی از عرب کافر شدند، ابوبکر رضی الله عنه گفت: سوگند به خدا که جنگ خواهم کرد با کسیکه بین نماز و زکات فرق گذارد، عمر بن الخطاب رضی الله عنه به او گفت: چگونه با آنان جنگ می‌کنی در حالیکه رسول الله ﷺ فرمودند: «أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله فإذا قالوها عصموا مني دماءهم وأموالهم إلا بحقها». [متفق علیه].

مأمور شده ام با مردم بجنم تا اینکه بگویند: لا إله إلا الله: معبود بحقی بجز خدای یکتا نیست، پس اگر آن را گفتند جان، و مال آن‌ها، بجز به حق آن از من حفظ می‌شود.

و ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت آیا زکات از حق آن نیست؟ سوگند به خدا اگر گردنبد شتری که به رسول الله ﷺ می‌دادند از من منع کنند به خاطر

منع آن، با آنان جنگ خواهم کرد، عمر رضی الله عنه گفت در نتیجه دانستم که خداوند سینه و قلب ابوبکر را برای جنگ روشن کرده و دانستم که او بر حق است. و صحابه رضی الله عنهم رأی و مشورت ابوبکر رضی الله عنه برای قتل اهل ردت را قبول کردند و با او به جنگ پرداختند تا اینکه آنان را به اسلام برگردانند، و کسی که بر آن اصرار کرد او را کشتند.

و این قصه برای تعظیم و بزرگداشت سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و وجوب عمل به آن واضح ترین دلیل است.

مادر بزرگی بسوی ابوبکر آمد و از میراث خود سؤال کرد، ابوبکر رضی الله عنه به او جواب داد که در کتاب خدا حقی برای تو در این باره وارد نشده، و نمی دانم که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در این مسأله قضاوتی کرده باشد، و از مردم سؤال خواهم کرد، سپس از صحابه رضی الله عنهم سؤال کرد و بعضی از آنها شهادت دادند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مادر بزرگ را سهم یک ششم داده، پس ابوبکر رضی الله عنه به آن قول قضاوت کرد.

عمر رضی الله عنه عاملان خود را وصیت می کرد که بین مردم با کتاب خدا قضاوت و حکم کنند، و اگر در کتاب خدا آن حکم را نیافتند به سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رجوع کنند، و وقتی در باره سقط جنین که در شکم مادر مرده است به سبب تعدی و ظلم به او اشکال پیدا کرد از صحابه رضی الله عنهم سؤال کرد، محمد بن مسلمه و المغیره بن شعبه رضی الله عنهما نزد او گوهی دادند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم درباره این به آزاد کردن کنیزی و یا برده ای قضاوت کرده، پس عمر رضی الله عنه به آن حکم قضاوت کرد.

و وقتی عثمان رضی الله عنه حکم عزاداری زنی که شوهرش فوت کرده را نمی دانست کجا باید عزادار باشد، فریعه دختر مالک بن سنان خواهر ابوسعید الخدری رضی الله عنه به او خبر داد: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به او امر فرمودند بعد از

وفات شوهرش در خانه اش عزاداری کند تا اینکه حداد و عزای او تمام گردد پس عثمان رضی الله عنه به همان حکم قضاوت کرد.

و همچنین در اجرای کیفر و عقوبت و مجازات و شلاق زدن بر شراب خواری ولید بن عقبه به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت کرد.

و وقتی به علی رضی الله عنه خبر رسید که عثمان رضی الله عنه از حج تمتع منع می کند، علی رضی الله عنه حج تمتع انجام داد - یعنی به حج و عمره با هم لبیک گفت - و فرمود: سنت رسول الله صلی الله علیه و آله را به خاطر قول و سخن یک نفر ترک نمی کنم. و وقتی بعضی از مردم بر عبدالله بن عباس رضی الله عنه در مورد حج تمتع اعتراض کردند و گفتند: ابوبکر و عمر به حج افراد تشویق کرده و آن را مقدم می دانستند، عبدالله بن عباس رضی الله عنه گفت: می ترسم که سنگ‌هایی از آسمان بر شما پرتاب شود، من می گویم رسول الله صلی الله علیه و آله چنین فرمودند، و شما می گوئید ابوبکر و عمر چنین گفتند!

پس کسی که به خاطر قول ابوبکر و عمر با سنت مخالفت نماید، بیم آن می رود که دچار عذاب شود، پس حال کسانی که به خاطر قول غیر ابوبکر و عمر رضی الله عنهما مجرد به رأی و اجتهاد خود با سنت مخالفت می کنند، چه خواهد شد؟

و وقتی بعضی از مردم با عبدالله بن عمر بن الخطاب رضی الله عنهما در مورد بعضی از سنت‌ها اختلاف کردند، عبدالله رضی الله عنه گفت: آیا ما مأموریم که تابع عمر باشیم؟

و وقتی مردی به عمران بن حصین رضی الله عنه گفت: ما را از کتاب خدا قرآن سخن بگو، و او داشت سخن از سنت و حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله می آورد عصبانی شد و گفت: سنت بیان کننده و تفسیر کننده کتاب خداست، اگر سنت نبود نمی دانستیم که نماز ظهر چهار رکعت است و مغرب سه رکعت

است، و صبح دو رکعت است، و تفصیل و شرح احکام زکات و غیر از این‌ها که در سنت است نمی‌دانستیم.

و اخبار بسیاری از صحابه رضی الله عنهم در تعظیم شأن سنت و وجوب عمل به آن و تحذیر از مخالفت به آن وارد شده است.

و همچنین عبدالله بن عمر رضی الله عنهما وقتی روایت کردند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا تمنعوا إماء الله مساجد الله». [متفق علیه].

کنیزان خدا (زنان مسلمان) را از رفتن به مساجد منع مکنید.

بعضی از پسران او گفتند: سوگند به خدا که آنان را منع می‌کنیم، پس بر آن‌ها عصبانی شد و به آنان بدی گفت، و گفت: می‌گویم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند، و می‌گوئید سوگند به خدا آنان را منع می‌کنیم!

و وقتی عبدالله بن المغفل المزنی رضی الله عنه (و او از صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد) دید یکی از نزدیکانش سنگریزه را بر یکدیگر پرتاب می‌کنند از آن عمل منع کرد و به او گفت رسول الله صلی الله علیه و آله از پرتاب کردن سنگریزه و ریگ نهی فرمودند و فرمودند: این سنگریزه‌ها چیزی را صید نمی‌کند، و دشمنی را شکست نمی‌دهد، و او را باز نمی‌دارد، ولیکن دندان را می‌شکند، و چشمی را بیرون می‌آورد و کور می‌کند، سپس او را در وقت دیگری دید که همان کار را انجام می‌دهد، گفت سوگند به خدا که تا ابد با تو سخن نخواهم گفت، تو را از رسول الله صلی الله علیه و آله با خبر می‌کنم که از آن نهی فرمودند، سپس دوباره آن را انجام می‌دهی؟

و امام بیهقی در کتاب خود (سنن الکبری) از ایوب السختیانی تابعی جلیل روایت می‌کند که گفت: اگر سنت رسول را برای مردمی بسخن و گفتار آوردی و او گفت ما را از این واگذار و از قرآن سخن بگو، بدان که آن شخص گمراه است.

و امام أوزاعی رحمته گوید: سنت حکم کننده و شرح دهنده کتاب خدا است، و مطلق‌های کتاب را مقید می‌کند و یا به احکامی که در قرآن ذکر نشده می‌پردازد.

چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِشُبَّانٍ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴].

و قبلاً گفتار رسول الله ﷺ را ذکر کردیم که فرمودند: «ألا إني أوتيت الكتاب ومثله معه». [راجع شود بهص ۳۳-۳۴]. همانا به من قرآن و مانند آن داده شده است.

و امام بیهقی از عامر الشعبي رحمت الله عليه روایت می‌کند که به بعضی از مردم گفت: «إِنَّمَا هَلَكْتُمْ فِي حِينِ تَرَكْتُمُ الْآثَارَ». [البیهقی]. براستی شما هلاک و گمراه شدید وقتی اثر و سنت صحیح رسول الله ﷺ را ترک کردید.

و امام بیهقی رحمته از امام أوزاعی رحمته روایت می‌کند که به بعضی از دوستان و یاران خود گفت: اگر از رسول اکرم ﷺ حدیث و سنتی بتو رسید مبدا به غیر از آن سخن بگوئی، زیرا رسول الله ﷺ ابلاغ کننده‌ای از جانب باری تعالی بود.

و امام بیهقی از امام سفیان بن سعید الثوری رحمهما الله روایت می‌کند که گفت: همانا همه علم و دانش علم به سنت و آثار رسول الله ﷺ می‌باشد.

و امام مالک رحمته به طرف قبر رسول الله ﷺ رو کرد و فرمود: سخن و گفتار همه ما قابل رد است، مگر سخن و گفتار صاحب این قبر که قابل رد نیست.^۱

و امام أبوحنیفه رحمته گوید: اگر حدیث و سنتی از رسول الله ﷺ آمد آن را بر سر و چشم می گذاریم.

و امام شافعی رحمته گوید: هرگاه از رسول الله ﷺ حدیث صحیحی روایت کردم و آن را نگرفتم و عمل نکردم شما را گواه می دانم که عقل خود را از دست داده ام.

و همچنین امام شافعی می گوید: اگر سخن و گفتاری گفتم و حدیث رسول الله ﷺ بر خلاف گفته من بود، پس قول و گفتار مرا به دیوار بزنید.

و امام أحمد بن حنبل رحمته به بعضی از یاران خود گفت: مرا تقلید مکنید، و امام مالک رحمته را تقلید مکنید، و امام شافعی را تقلید مکنید، و از آنجائیکه بگیریید که ما آن را گرفتیم، (یعنی از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله).

و همچنین امام أحمد می گوید: تعجب کردم از اقوامی که اسناد و صحت اسناد حدیث رسول الله ﷺ را دانسته سپس می روند و رأی سفیان را می گیرند.

و خداوند می فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

سپس گفت: آیا می دانی فتنه چیست، فتنه شرک است، ممکن است اگر بعضی از گفتار رسول الله ﷺ را رد کرده قبول نکند در قلب او گمراهی افکنده شود و هلاک گردد.

۱- یعنی قول صحیح او واجب القبول است.

و امام بیهقی از مجاهد بن جبر تابعی جلیل روایت می‌کند در قول خداوند: ﴿فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ [النساء: ۵۹].

[اگر در باره چیزی اختلاف نمودید برای رفع اختلاف به کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ مراجعه کنید تا حل اختلاف از کتاب و سنت بیابید].
گفت: برگردانیدن بسوی خدا یعنی: بسوی کتاب او، و برگردانیدن بسوی رسول یعنی: بسوی سنت اوست.

پس اگر در چیزی اختلاف کردید آن را بسوی خدا و رسول خدا برگردانید.

و امام بیهقی از محمد بن شهاب زهری رحمته الله روایت می‌کند که گفت: کسانی که از علماء و دانشمندان ما رفتند و فوت کردند می‌گفتند اعتصام و پیروی از سنت رسول الله ﷺ نجات و پیروزی است.

و موفق الدین بن قدامه رحمته الله در کتاب خود: روضة الناظر در بیان اصول احکام چنین می‌گوید: اصل و اساس دوم از دلایل، سنت رسول الله ﷺ می‌باشد، و گفتار رسول الله ﷺ حجت است زیرا از دلایل معجزات بر صدق و راستی اوست، و خداوند به طاعت او و تحذیر از مخالفت او امر فرموده است.

و امام ابن کثیر رحمته الله در تفسیر این آیه گوید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

یعنی: از اوامر رسول الله ﷺ، آنها طریقه و راه و روش و سنت و شریعت اوست، پس گفتار و کردار بنی آدم با گفتار و کردار رسول الله ﷺ مقایسه و مطابقت می‌شود، و آنچه موافق آن بود قبول، و آنچه مخالف آن

بود مردود و بر قائل و گوینده او برگردانیده می‌شود، و آن هم هرکه خواهد باشد.

چنانکه رسول الله ﷺ فرمودند: «من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو رد». [متفق علیه].

هر کس عمل و کرداری انجام دهد که راه و روش ما بر آن نیست آن عمل و کردار مردود و غیر قابل قبول است.

پس بترسد و برحذر باشد کسی که ظاهراً و باطناً مخالف شریعت رسول الله ﷺ باشد: ﴿أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ﴾.

که به آنان مصیبتی در قلب‌های شان از کفر و نفاق و بدعت بوجود آید. ﴿أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾.

یعنی در دنیا به کشتن و یا مجازات و یا زندان و غیر از این‌ها مبتلا شوند.

از امام احمد بن حنبل از عبدالرزاق از معمر از همام ابن منبه روایت است که ابوهیره گفت: رسول الله ﷺ فرمودند: «مَثَلِي وَمَثَلُكُمْ كَمَثَلِ رَجُلٍ اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهَا جَعَلَ الْفَرَّاشُ وَ هَذِهِ الدُّوَابُّ اللَّائِي يَقَعْنَ فِي النَّارِ يَقَعْنَ فِيهَا وَجَعَلَ يَجْزُهُنَّ وَيَغْلِبُنَّهُ فَيَقْتَحِمْنَ فِيهَا قَالَ فذلِكَ مَثَلِي وَمَثَلُكُمْ، أَنَا أَخَذْتُ بِحِجْرِكُمْ عَنِ النَّارِ، هَلُمَّ عَنِ النَّارِ فَتَغْلِبُونِي وَتَقْتَحِمُونَ فِيهَا». [متفق علیه].

مَثَلِ مَنْ وَ مَثَلِ شِمَا مَانِدِ مَرْدِي اسْتِ كِه آتَشِي رُوشِنِ كَرْدِه وَ قَتِي اطراف خود را نورانی و روشن کرد و پروانه‌ها و حشرات که اطراف آن می‌گردند در آتش می‌افتند، آن مرد جلوگیری می‌کند و نمی‌گذارد که پروانه‌ها و حشرات در آتش بیفتند ولی بر او غلبه کرده خود را در آتش می‌اندازند، فرمود: پس این مَثَلِ مَنْ وَ شِمَاسْتِ، مَنْ كَمَرِبِنْدِ شِمَا رَا كَرَفْتِه از

آتش دور می‌کنم، و شما بر من غلبه کرده و هجوم می‌کنید و خود را در آتش می‌اندازید.

و امام سیوطی رحمته الله در کتاب خود: (مفتاح الجنه فی الاحتجاج بالسنة) (کلید بهشت در حجیت سنت رسول الله ﷺ) چنین می‌گوید:

(بدانید - خدا شما را رحمت کند - هرکس حجیت حدیث رسول الله ﷺ قولی و فعلی با شروط معروف آن در اصول دین را انکار کند رحمته الله کافر می‌باشد، و از دایرهٔ اسلام خارج است، و روز قیامت با یهود و نصاری و با فرقه‌ها و طائفه‌های گمراه و کافر محشور خواهد شد).
و اخبار از صحابه و تابعین و کسانی که بعد از ایشان آمده‌اند از علماء و دانشمندان در تعظیم سنت و وجوب عمل به آن و تحذیر از مخالفت آن بسیار زیاد وارد شده است.

و امید است آنچه در اینجا ذکر شد از آیات و احادیث و اخبار، برای کسی که حق طلب است کافی و قانع کننده باشد، و از خداوند برای خود و تمامی مسلمانان توفیق به آنچه رضایت آن را دارد مسئلت دارم، و سلامت از أسباب خشم و غضب او، و اینکه تمامی ما را به راه مستقیم هدایت فرماید، او شنوا و نزدیک است.

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله نبینا محمد وعلی آله وأصحابه وأتباعه
یا احسان.

عبدالعزیز بن عبدالله بن باز
مفتی عام عربستان سعودی و رئیس کبار علماء
و رئیس دایرهٔ بحث‌های علمی و فتوای شرعی

